

شانزده آذر دانشگاهها یک صدا و یک تریبون

تا دیروز ختمی سوپاپ اطمینان رژیم بود، امروز دیگر این توهم که جمهوری اسلامی قابل اصلاح است به تاریخ پیوسته است. دو خرداد مضمحل شده است. هژمونی دواخرد در دانشگاه تمام شد. دوران صف بندی های جنید حول آفرناتیو چپ و راست در جریان است. چپ در دانشگاه در سالهای اخیر توانست که پرچم آزادی و برابری را به اهتزاز در آورد. مهر چپ را به ۱۶ آذر بزند، و پرچم آزادی و برابری را بر افرازد.



۱۶ آذر در شرایطی به استقبال آمد که شرایط و اوضاع داخلی و منطقه ای دست خوش تغییرات جدی شده است. با روی کار آمدن احمدی نژاد ارتجاع اسلامی تمام و کمال در مقابل مردم قرار گرفته است. اگر

در باره تحصن دانشجویان "کرد" در دانشگاه تهران

اسلامی و جداسازی اسلامی و غیر اسلامی به این محیط تریبک کنند، اکنون از جانب عده ای با هویت قومی مورد تعرض قرار گرفته است؟ چرا وقتی بحث از سنگر آزادیخواهی در کردستان است و مبارزه مردم از همان اوائل انقلاب ۵۷ با این خصوصیت شناخته شده است، جایی که تقابل انقلابیگری و ارتجاع مکتب قرآنی ها، ایستادگی کمونیستها و آزادیخواهان در برابر بند و بستها و سرکوبگریهای حزب دمکرات، و رهبری مبارزات وسیع توده ای توسط کمونیستها، برای سالها کردستان را به سنگر آزادیخواهی تبدیل کرده بود، اکنون به نام "دانشجوی کرد"، مهر قومی و سازش بین ارتجاع و آزادیخواهی به مبارزه مردم

پیام واقعی قطعنامه و خاستگاه سیاسی و طبقاتی صادرکنندگان آن را توضیح بدهم. یک نکته که قدری معنی دار است، آغاز کوششی است برای زدن رنگ قومی به مبارزات دانشجویان بویژه آنگاه که میبینیم تحریک دانشجویان کرد، در روزهایی که به ۱۶ آذر نزدیک میشویم، صورت گرفته است. مستقل از بزرگی و کوچکی وزن گرایش قومی در جنبش دانشجویی و در محیط دانشگاه، این میتواند هشدار دهنده باشد. اولین سوال من این است: چه شده است که دانشگاه که همواره مرکز آزادیخواهی و اندیشه ورزی بوده و افکار چپ و سوسیالیستی است، حال که پس از سالها تلاش دانشجویان "مسلمان پیرو خط امام" بسپج دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت و دواخرد آنها نتوانستند هویت



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

تعدادی که خود را دانشجویان "کرد" دانشگاه تهران نام گذاشته اند، در روز ۸ آذر ماه در دانشگاه تهران تحصنی داشته و قطعنامه ای را در پایان این گردهمایی خود صادر کرده اند. این قطعنامه مقمه ای دارد با تفسیری ملی کردی بر "حقوق بشر". من در اینجا وارد بررسی موضع "دانشجویان کرد" برای الصاق حقوق بشر کردی و قومی به مبارزات مردم آزادیخواه کردستان نمی شوم. میخواهم قبل از هر چیز به جایگاه واقعی مقوله ای به نام "دانشجوی کرد" بپردازم و در پرتو آن، تناقضات

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید! صفحه ۲

"بهشتی" که قوم پرستان کرد

وعده میدهند! حسین مراد بیگی حمه سور صفحه ۴



گفتگوی اکتبر با سهند حسین زاده صفحه ۴



ما جنبشی متحد میخواهیم! ماریا آزاده از ایران

لیست کمکهای مالی

به یاری مردم یافت آباد بروید!

اقدامات عاجل و فوری شماس. به یاری مردم یافت آباد بشتابید

حزب کمونیست کارگری

حکمتیست ۱۵ آذر ۱۳۸۴ ۶ دسامبر ۲۰۰۵

کامل منهدم شده است و از سرنوشت ساکنین آن اطلاعی در دست نیست، مردم یافت آباد در میان بی مسئولیتی مقامات اسلامی از کمکهای فوری محروم مانده و در میان شعله های آتش و دود غلیظ رها شده اند.

به این وسیله از مردم تهران میخواهیم که راسا و مستقیما دست به کار نجات و کمک رسانی به مردم آسیب دیده یافت آباد شوند.

مردم تهران!

نباید اجازه داد که حادثه سقوط هواپیما، در میان بی مسئولیتی و دفع وقت مقامات و نهادهای رژیم اسلامی از مردم یافت آباد قربانیهای بیشتری بگیرد. این مردم چشم امیدشان به شما و

سقوط یک هواپیمای نظامی در تهران و برخورد آن به یک ساختمان ده طبقه ، علاوه بر کشته شدن کلیه سرنشینان آن که گفته شده است عکاسان و نمایندگان برخی خبرگزاریهای دولتی را همراه با چند مقام نظامی به محل مانورهای نظامی رژیم اسلامی در چاه بهار انتقال میداد، در محل حادثه خطرات جانی زیادی را برای ساکنین محله یافت آباد (معروف به شهرک توحید) بوجود آورده است. پس از گذشت دو ساعت از آتش سوزی ناشی از این حادثه هنوز خبری از وسایل امداد رسانی و ماینههای آتش نشانی نبوده است. در حالی که ساختمان ده طبقه این محله که هواپیما به آن اصابت کرده بطور



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



برای تضمین این آینده، برای تامین و تضمین زندگی خود و فرزندانمان نمیتوانیم و نباید منتظر بمانیم که دستی از آسمان و یا از آستین این یا آن گروه و فرقه مذهبی و قومی و یا کشور دیگری در آید و ما را نجات دهد. ما خود باید نجات دهنده خود و تعیین کننده زندگی خود، خانواده و جامعه باشیم.

باید متشکل شد باید زمام زندگی خود را بست گرفت.

حزب کمونیست کارگری

— حکمتیست

از طرف کمیته

سازماندهی و فرماندهی

گارد آزادی در کردستان

عبدالله دارابی

۳ آذر ۴ - ۴ دسامبر ۵

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید ! به گارد آزادی به پیوندید !

مردم و بر کرده کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی کاخ قدرت خود را بسازند. به کردستان عراق نگاه کنید، به بغداد و فلوجه و رواندا و یوگسلاوی نگاه کنید. این آینده ای است که این نیروها در تدارک آن هستند. کارگر و زحمتکش و مردم انقلابی و آزادیخواه باید بتوانند مانع تبدیل سرنگونی جمهوری اسلامی به سیه روزی عمومی شوند.

برای ما کارگر و زحمتکش، برای ما مردم انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی باید با تضمین آزادی و برابری همه انسانها همراه باشد. مردم باید بتوانند آزاده و آگاهانه و در یک محیط امن در باره نظام آینده حکومتی تصمیم بگیرند.

جمهوری اسلامی را باید به نیروی اعتراض و قیام مردم و به زیر پرچم آزادی و برابری انسانها انداخت. باید کردستان را به سنگر انقلاب ایران تبدیل کرد. باید همه مردم ایران، بجای صدای عقب ماندگی و قوم پرستی، صدای انقلاب برای آزادی و برابری انسان در ایران را از کردستان بشنوند.

۷- در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است.

۸- تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حکم باشد و بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرد.

۹- فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه آگاه و حساس کنید و این نیرو هائی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید.

۱۰- مطلقا بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا نمایش نظامی نکنید.

مردم!

جمهوری اسلامی رفتی است. اما خودش نمیرود باید دستش را از زندگی مردم کوتاه کرد. بعلاوه همه نیروهای مذهبی و قوم پرست، که تنها با به خاک سیاه نشانیدن مردم میتوانند خود را به قدرت و ثروت برسانند، دست اندر کارند تا بر سرمایه گذاری بر نفرت قومی و مذهبی بر ویرانه های جامعه با زیر پا گذاشتن حرمت، آزادی و امنیت

مردم انقلابی در کردستان، جوانان انقلابی و آزادیخواه !

هر جا که هستید، در هر محله و در هر شهر و روستا دور هم جمع شوید و گارد آزادی را تشکیل دهید.

۱- هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید.

۲- برای گروه خود یک نام انتخاب کنید.

۳- با ما تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید.

۴- از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید.

۵- عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسایی کنید.

۶- تلاش کنید فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید.



مردم آزادیخواه، جوانان کردستان!

به گارد آزادی به پیوندید. گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است.

گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی دفاع از آزادی انسانها، نیروی دفاع از برابری انسانها، نیروی دفاع از حق برابر زن و مرد، نیروی دفاع از حق کودک، نیروی دفاع از آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، نیروی دفاع از آزادی کامل

تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دست آورد های فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده، نیروی دفاع از حق شاد بودن و شاد زیستن انسانها است. گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریاتی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند.

ناموسی های وحشی گازم گرفتند!

حرف بزند و چند نفر خواستند میانجیگری کنند که چهار نفر دیگر ریختن رو سرم و من و به باد کتک گرفتند انگار که من زندگی را از شون گرفته بودم که این طور با من برخورد کردند و بعدا هر طور شد از دستشون خلاصیم شد.

محمدامین از ایران

تصمیم داشتیم به خونه برم که چند قدم حرکت کردم که یکی من و صدا کرد و بهم گفت که: «میادونی چیه آگه رفتارت را درست نکنی ... کلی اهانت کردند منم واقعا تعجب کردم از یک طرف دیگر یکی دیگه آمد و کمرم و گرفت که آموزاده ی دوست دخترم بود انگار از شدت ناراحتی نمی توانست

بوم ساعت 4 بعد ازظهر بود من رفتم ساعت 7 رسیدم خونه و حدود یک ساعت بعد رفتم عروسی و کمی انجا ماندم تا رقص کردی (هه لپه رکی) شروع شد و من رفتم تو و دوست دخترم اومد دستم و حدود ده دقیقه با هم بودیم که یکی اومد و با یک کف زدن رقص را تمام کردند و من

روز سه شنبه بود کارت عروسی به دستم رسید عروسی یکی از همسایه هامون بود و از اینکه دوست دخترم قرار بود بیاد عروسی خیلی خوشحال بوم در ضمن عروسی یکی از آشنایان بود، منم روز چهار شنبه بهش زنگ زدم قرار بود انجا همدیگر و ببینیم روز پنج شنبه بودو من مشغول کار

آزادی بیان و اندیشه در دفاع از هویت انسانی تبدیل کنیم.

چپ دانشگاه میتواند و میباید خود را به سکوی رهبری در مبارزات دانشجویی برساند.

جمهوری اسلامی و کانون دفاع از هویت انسانی در مقابل هویت قومی و اسلامی است.

یک سوی آن آمریکا است و یکسوی دیگر مثنی ژورنالیست نوکر در صند قالب کردن به اعتراضات مردم اند.

خارج کشور است. امسال دانشگاهها باید در اعتراض به تمام مظاهر اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی، هماهنگ به یک تریبون واحد در دفاع از هویت انسانی در مقابل هویت تزاری قومی بسازد. قومیت تزاری که انتلافی اعلام نشده که

کمیته مرکزی سازمان

جوانان کمونیست — حکمتیست

10 آترماه 1384

دانشجویان مبارز و آزادیخواه!

بیاباید امسال در اعتراضات 16 آردانشگاهها را به تریبونی واحد در اعتراض به اختناق، در دفاع

دوران پر تحولی را از سر می گذرانیم امسال هم چپ باید در دانشگاه موقعیت ایژکتیو خود را تثبیت تر کند. خود و نقش پیشرو در مبارزات آزادیخواهانه را برجسته تر کند.

16 آرد روز اعتراض به فضای اختناق، به جدا سازی جنسی و خواست آزادی بیان و عقیده است. دانشگاه سنگر مهم مبارزه با

فعالین کارگری جرمی مرتکب نشده اند، از حق خود دفاع کرده اند. احکام زندانی کردن فعالین کارگری باید بدون قید و شرط لغو گردد. به کمپین دفاع از فعالین کارگری پیوندید!



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

در باره تحصن دانشجویان "کرد" در دانشگاه تهران ارض

انقلابی کردستان کوبیده میشود؟ چه کسی این حق سخنگویی مبارزه انقلابی مردم کردستان و مصادره آن به نفع احزاب ناسیونالیست و قوم پرست را به "دانشجویان کرد" بخشیده است؟ این حرکت غیر واقعی و در تقاض با سیر واقعی رویدادها و اتفاقات سیاسی در کردستان، از کجا آب میخورد؟ و سوال این است که چگونه است که در همان کردستان، برای حزبی مثل حزب دمکرات کردستان که با کارنامه و تاریخ و عملکرد غیر قابل انکار و با سابقه بر پا کردن جنگ سراسری علیه نیروی فعال دیگری به نام کومه له قابل بازشناسی است، در مناسک اشک ریختن و خود زینهای "دانشجوی کرد" برای "مظلومیت" کردها، برایش تاریخ ناموجود مبارزه در راه آزادی و آزادیخواهی ساخته میشود و راه ورود دستجات سرهم بندی شده و دست ساز و رسما و علنا قوم پرست کرد باز گذاشته میشود؟ حزب دمکرات در خاطره زنده مردم کردستان بارها و بارها نیروهای نظامی و پاسدار جمهوری اسلامی را اسکورت کرده است. این حزب را نمیتوان به عنوان نماینده و شاخص مبارزات همان مردم قالب کرد. حقیقت این است که این اکسیر و گرانش هویت ماورا طبقه‌ای کردی در متن مبارزه و جدال گرایش‌های طبقاتی و اجتماعی کاملا مختلف نگاه که پای منافع حزب بورژوازی و ناسیونالیست به میان آمده است، فقط با زبان تفنگ و زور و تحمل نکردن هر انتقاد سخن گفته است و

علیه کومه له کمونیست جنگ سراسری به پا کرده است و فعال سازمان پیکار را سر بریده است و سازمان اقلیت را خلع سلاح کرده است و همواره در کنار مرتجعین و استثمارگران کردستان ایستاده است. داستان و تاریخ رفتار خونین و فئودالها، هم‌مانندی که اسطوره های ملی جنبش "کردایه تی" و قوم پرستان دو آتش هستند، با "اربعیت" ها و "عولم" را مگر نمیدانیم؟ غارت شهر مهلباد توسط اسماعیل آغا سیمتو و به آتش کشیدن شهر بائه توسط حمه رشید خان فقط بخشی از تاریخ سر تا پای رحمی ستمگران و مستبدان کرد است. مبارزه مردم انقلابی کردستان همراه و در کنار رهبران و شخصیت‌های انقلابی و کمونیست را نمیتوان با بر پا کردن عاشورا و کربلای کردی به مرتجعین و احزاب و جریان‌های ناسیونالیستی و قومی به معروض حراج گذاشت. اما مسأله فقط به تعریف واژگونی از تاریخ واقعی احزاب چپ و راست، محدود نیست. این حرکت قومی نامین مبارزات مردم کردستان، از اولین سرمشقا و تمرین ها برای نشان دادن یک نمونه است. دانشجویان منتسب به قومه‌ها، انگار تاریخ ویژه و جداگانه خود را دارند. این سراغز جدلیها و تفرقه ها در مبارزات دانشجویان بر حسب محل تولد و هویت قومی آنهاست. با این حرکت همزمان بازوی "فکری" طرح آشنای فدرالیسم قومی در محیط دانشگاه است. تجدید حیات تحرکات نیروهای اسلامی در نون مبارزه با رژیم شاه در حسینیه ارشد برای زمینه سازی انقلاب اسلامی است، اما این بار و در این دوره برای فدرالیسم قومی و آماده سازی

فکری و روانی برای راه انداختن نیروهای آشکارا قومی و طرفدار جداسازیها و سپس پاکسازیهای قومی. این تناثر کارگردان پشت صحنه ای دارد که ما در هیات عزت بگوچیها و توچمانها در گردانها و جوخه های مرگ پاکسازیهای قومی و دایر کردن گورهای دسته جمعی دیده بودیم و اکنون عراق رازیر هراس کلبوس و وحشت هر روزه آنان ناظریم. بخشی از یک بند قطعنامه صادر شده دانشجویان کرد در دانشگاه تهران بیش از هر چیز دیگری گویای نمایندگی این بازسازی هویت قومی و ملی است. نوشته اند:

"خوستان حل نموکراتیک مسأله کرد در ایران شده و در این راستا تمام طرفهای درگیر در مسأله را به مصالحه ای تاریخی فرا می خوانیم"

"طرفهای درگیر"، از منظر دانشجویان کرد" جریانات و احزاب دیگری غیر از احزاب و سازمانهای "کرد" نیستند. و البته درایت زیادی نمیخواهد که تشخیص بدهیم چرا به سازمانها و احزاب ناسیونالیست و قوم پرست نمایندگی "مصالحه تاریخی" بر سر مسأله کرد واگذار شده است. به نظر میرسد بوی فدرالیسم در کردستان عراق و به قدرت رسیدن ناسیونالیسم کرد را کشیده اند و تشخیص داده اند که فعلا و تا اطلاع ثانوی مدافعان فدرالیسم قومی در الدانهای سیا و پنتاگون در بورس قرار دارند. این خاستگاه واقعی و میدان زمینی به بست نشستن "دانشجویان کرد" و دلیل است که خط سیاسی حاکم بر پدیده "دانشجوی کرد" دانشگاه تهران به

عنوان نیروی ذخیره نگاه یا ناگاه احزاب و فرقه های ناسیونالیستی را تشخیص داد؟ "دانشجویان کرد" حرکت سیاسی اشخاص معین با گرایش آشکارا ناسیونالیستی است، حتی اگر خود را با یک امر "عدالته" تداعی کنند و احتمالا خود را "چپ"، و یا برای تحیب دانشجویان سرخورده انجمنهای اسلامی، خود را "کرد" چپ بنامند. این جریان در عالم واقعی، مستقل از هر تصویری که گرداندگانش برای خود در نظر گرفته اند، زنده گرایش ناسیونالیسم کرد و احزاب و سازمانهای سیاسی آنها و ترجمان دانشجویی تبلیغ برای فدرالیسم قومی و استقبال از سناریو سیاه ناشی از آن است. درست هم‌طور که انجمنهای دانشجویان "مسلمان" در خارج کشور، طی سالهایی که منتهی به انقلاب ۵۷ است، بخش "دانشجویی" جنبش اسلام سیاسی بودند و چه بسا خیلی ها خود فریبی هم میکردند که گویا دارند در عالم درونی خود به "انقلاب" و خلق خدمت میکنند.

اگر جامعه ایران کفاره بی تفاوتی خود در برابر پخش سموم اسلامی و مجاهدتهای ضد ارزشهای مدنیت غربی آل احمد و "انکتر شریعتی" و لیت الله طالقانی را در ۲۷ سال خون و خون ریزی و شنیع ترین نسل کشیها پرداخته است، ما این بار مجبور نیستیم و مجاز هم نیستیم یک بار دیگر میلیونها انسان را به پای یک هویت وارونه و جعلی و خرافی دیگری، خرافه ملی و قومی، به سلاخی ببریم.

مجبور نیستیم و نمیخواهیم قومیت و قوم پرستی و ناسیونالیسم، داستان انجمنها و تشکلهای دانشجویان

مسلمان را این بار با محمل "دانشجویان کرد"، و فردا و پس فردا در هیات آذربایجانیها و بلوچها و لرها و بختیاریهای "مقیم تهران" تکرار کنیم و به مبارزه مردم ایران و کردستان علیه رژیم اسلامی هویت قومی حقه کنیم. بهتر است و انسانی تر و "حقوق بشری" تر است که از لصاق هویت قومی و ملی و طایفه گری به مبارزات مردم کردستان و وحدت مبارزاتی این مردم با مبارزات کارگران و جنبش برابری طلبانه زنان و خیزش رهایی فرهنگی جوانان "دانشجویان" در سراسر ایران خودداری کنید. بهتر و انسانی تر است که نسخه "مصالحه" احزاب و جریانات ناسیونالیستی و قومی با جمهوری اسلامی و پیش برده های نمایش پارگیها و جبهه سازیها برای سناریو فدرالیسم قومی را زیر نام لسوزی برای مردم کردستان و از حساب قربانی داندها و تلاش نیروهای آزادیخواه و سوسیالیست و کمونیست به حراج نگذارید. تجربه به قدرت رسیدن ناسیونالیسم کرد را در بغل گوش جامعه ایران داریم میبینیم. هویت انسانی و جهاتشمول انسان عظیم تر و باشکوه تر و حدت بخش تر است. اساتها را و مردم کردستان و مبارزه آنها را تخته پرش به قدرت رسیدن احزاب و جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست و وسیله و محمل سازشها و بند و بستهای آنان با جمهوری اسلامی ننماید، نوسان عزیز "دانش" جو.

ما خواهان جنبشی متحد هستیم! ماریا آزاد

جنبش فمینیستی چیست واز کجا آمده است؟ چه عواملی در شکل گیری این جنبش تحیل بوده است، مبنای آن چه بود و چطور، مطالبات خود را بیان کرد؟، مقوله ای جد است. اما آنچه که امروز باعث به راه افتادن جنجال برخی "روشنفکران" عاقبت طلب زیر علم "زن کرد" و "فمینیسم کردی" شده است، اصلا ربطی به این تاریخچه و حتی موضع جنبش فمینیستی ندارد.

ما می بینیم که اخیرا شاخه ای به نام فمینیسم کردی قد علم کرده که گویا می خواهد با آنگاه به ناسیونالیسم و فرهنگ کردی و تقدس بخشیدن به شخصیتی خیالی و زیبا از زن کرد، به برابری حقوق زن و مرد دست بابد. شاید به خیال خود می خواهد با پوشاندن لباس کردی بر تن زنان، با زنده کردن سننهای قرون

وسطایی، با تصدیق قتل های ناموسی و همگن دانستن آن با فرهنگ کردی، با بی تفاوتی نسبت به ژیلها و بختیارها، با ندانستن هیچ توجیهی برای خود سوزی زنان و دختران جوان و نیز فرار دختران و پسرای که تنها همدیگر را دوست دارند اما مجال آن را نداشته اند که در شرایط انسانی با هم زندگی کنند، با بی توجهی نسبت به وضعیت زنان تن فروش و با بی تفاوتی به بسیاری وقایع دیگر که لزومی به ذکرشان نیست، این ظلم مضاعف را ریشه کن کنند.

ممکن است این طیف چند صباخی بتواند باز زنده کردن و برگزیندن احساسات ناسیونالیستی در میان تنی چند از انسانهای متعصب و ناگناه از ریشه ی این مشکلات دوام بیاورند، اما با تمام این تفاسیر دوام چندانی نخواهند آورد و با اعمال این شیوه ها نمی توانند به

دستاوردهای قابل توجهی برسند. اینان قطعاً از ریشه های استثمار و ظلم مضاعفی که بر زنان می رود میخوانند این پدیده را که محصول جامعه طبقاتی و در عصر ما سرمایه داری است، توجیه کنند. اینکه دامنه ظلم و ستم بر زنان در جامعه کردستان هراسناک است تردیدی نیست. رژیم اسلامی عامل اصلی این بی حقوقی است اما نباید فراموش کرد که ناسیونالیسم کرد تاریخا پاسدار مردسالاری بوده است. در کردستان عراق معلوم شد که اگر این جنبش به قدرت برسد چه بلایی بر سر زن میاورند. در حالیکه طرفداران فمینیسم کرد در کردستان عراق از امکانات بالا برخوردارند و بخشی از "حاکمیت" هستند باز در شهرهای سلیمانیه و اربیل حداقل چندین هزار زن قربانی ناموس پرستی و مرد سالار شدند ه اند، چندین هزار

ترور شده اند آیا این کافی نیست تا بدانیم فمینیسم کردی چه معنایی دارد؟ این پدیده زایده سیاسی است که اکنون دارند با تقسیم مردم به قوم و قبیله و تزریق هویت قومی به جامعه حتی از زنان هم تفاوتی ساختگی میسازند. زن کرد در این دیدگاه قرار است پرچم تفرقه و نفرت در میان جنبش برابری طلبانه علیه قوانین شوم اسلامی باشد. اگر به دقت به مسله نگاه کنیم مدعیان این نوع فمینیسم هیچ راه حلی جز تحریکات قومی ندارند. جنبش رادیکال زنان در ایران و در کردستان واقعا قوی است. و اهمی جدی اجتماعی است در مقابل جمهوری اسلامی، کسی که بخشی از زنان را زنان کرد بنامند حتماً زنان تهران را باید در صدها گروه متفرق برسمیت بشناسد و باید تقابل اینها با هم را هم پذیرفته باشد. عدم شفاف سازی در

راهکارهای این جماعت ما را به این قناعت میرساند که چنین کسانی یا مریضند و یا مرض تبدیل شدن به زایده جنبشی ارتجاعی علیه جنبش برابری زن و مرد را اشاعه میدهند.

زنان کردستان در مبارزه یکپارچه با زنان ایران در سرتگون کردن این رژیم ضد بشری و زن ستیز میتوانند راه این بی عدالتی را بسوی رهایی هموار کنند. تنها در جامعه سوسیالیستی است که راه برچیده شدن مردسالاری و هر نوع نابرابری میان زن و مرد به سرانجام میرسد. تنها در سایه جنبشی عظیم سوسیالیستی است که کلیه آحاد جامعه مستقل از زن یا مرد بودن و بر اساس تمایل و توان خود می توانند به طور داوطلبانه در امور اقتصادی و اجتماعی و سیاسی شریک شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

“بهشتی” که قوم پرستان کرد وعده میدهند! حسین مراد بیگی (حمه سور)

فرقی در ایران، واقعا خجالت نمی کشند که خواب چنین سناریوی را برای مردم کردستان ایران و ایران می بینند؟ حرص چنگ انداختن بر زندگی مردم کردستان ایران به سبک همپالگی هایشان در کردستان عراق ظاهرا چنان حضرات را از خود بیخود کرده است که در آرزوی کشاندن جنگ کوچه به کوچه در شهرهای ارومیه و تهران و اهواز شب را سحر میکنند و برای انداختن جامعه ایران به سیاه چالی به مراتب خطرناکتر از عراق، روز شماری میکنند. بروید خجالت بکشید! از سر راه مبارزه مردم کنار روید. به نوبه خود به اندازه کافی به جمهوری اسلامی خدمت کرده و برای آن وقت خریدید. بگذرید جمهوری اسلامی را سرنگون کنید. چهره ارتجاعی تان را این بار نمیبانید در پس طرح "لوکس" قدرلیم پنهان کنید. این امکان را ما و مردم سرنگونی طلب به شما نخواهیم داد. به کردستان عراق

ند اضافه کنید، عدم آزادی بیان و عقیده را اضافه کنید تا دستتان بیاید که مردم کردستان عراق بعد از 14 سال حکمیت احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان "فترال" در چه وضعیتی بسر می برند. در کنار این بی حقوقی مطلق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ای که به مردم کردستان عراق تحمیل کرده اند، هم اکنون آینده سیاسی مردم و جامعه کردستان عراق از هر زمان دیگری تیره تر است. عده ای غارتگر، به معنای واقعی کلمه غارتگر، به خاطر شریک شدن در قدرت و افزایش ثروتهای افسانه ای که از قبل مصائب هولناک و درد و رنج و مبارزه دهها ساله این مردم برای خود به هم زده اند، 14 سال تمام است مردم و جامعه کردستان عراق را به امید آینده ای مبهم و بر لبه پرتگاه یک جنگ قومی نگه داشته اند. حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر طرفداران طرح قدرلیم

حسین مرادبیگی(حمه سور)

یکی از آن مواردی که پرده ریا و تزویر را از روی حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر طرفداران قدرلیم قومی در ایران کنار میزند، سیاه چال عراق و سرنوشتی است که مردم کردستان عراق تحت حکمیت 14 ساله احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان "فترال" پیدا کرده اند. این هر دو به اندازه کافی گویاست تا پی برد که طرفداران طرح قدرلیم در ایران در فکر چه توطئه ای علیه زندگی و آینده مردم ایران و کردستان ایران اند. در کردستان عراق بعد از 14 سال که از حکمیت احزاب ناسیونالیست کرد، تحلیله میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق(پارتی)، میگذرد، هنوز مردم آب ندارند! هنوز مردم برق ندارند! مسکن مناسب برای بخش کارگر و

گفتگوی اکتبر با سهند حسین زاده در مورد حکم اعدام کریم فهیمی در شهر سردشت

آن ، یک جوان را تنها به خاطر مصرف الکل در مقابل چشمهای شما با اسلحه گرم به قتل برسانند ، اگر شما در مقابل آن سکوت کنید ، قابل بخشش نیست ! ایندنگان شما را نخواهند بخشید ! نگذارید دستهای جنایتکاران رژیم اسلامی به خون کریم آغشته شود ! تا دیر نشده در هر کجا و با هر وسیله ممکن ، رژیم اسلامی را زیر فشار قرار دهید و خواهان لغو حکم اعدام کریم فهیمی شوید ! کمپین ما برای نجات جان کریم به کمک دهها فعال حقوق بشر در سراسر دنیا و به کمک صدها رفیق مبارز در صفوف حزب حکمیتست به پیش میروید. میدانیم در این راه صفی وسیع از انسانهای شریف و آزادیخواه رادر ایران و سراسر جهان با خود داریم.

این است که فضای اعتراضی گسترده ای را بر علیه این حکم سازمان دهیم و با احزاب و سازمانها و نهادهای بیشتری ارتباط بگیریم تا رژیم ایران را به جرم نقض آشکار حقوق بشر زیر فشار قرار دهند و در جهت لغو حکم اعدام کریم فهیمی اقدام کنند ! ما تمام تلاش خود را برای شکست جمهوری اسلامی و لغو حکم جنایتکارانه دادگاه این رژیم علیه کریم خواهیم کرد. همزمان از مردم سردشت نیز انتظار داریم در مقابل این افسارگسیختگی دانگاه اسلامی سردشت بایستند و خواهان لغو حکم کریم شوند ! مردم و به خصوص جوانان از هر طریق ممکن باید رژیم را زیر فشار قرار دهند ، تو مار اعتراضی جمع کنند ، در مقابل نهادهای رژیم تجمع کنند ! این را نباید فراموش کرد که قرار است هر

ضمینه زیر فشار قرار داده اند . در همان ابتدا سازمان عفو بین الملل به این حکم اعتراض کرد و اعلام موضع نمود ، از خیلی جهات در پیشبرد کار ما نقش مثبتی ایفا کرد ، چرا که انعکاس خوبی داشت ، به خصوص در سایتهای خارجی و به زبانهای مختلف از چین و هنگ کنگ گرفته تا روسیه و نروژ و انگلستان و آمریکا . از جمله خبر این حکم در بعضی از روزنامه ها چون روزانه دکلابلات نروژ پخش شده است.

اکتبر:

چه اقدامات دیگری رادر دستور کار کمپین گذاشته اید و پیام شما به مردم سردشت چیست

سهند حسین زاده:

ما کمکان سعی و تلاشمان بر

اکتبر : سهند حسین زاده ، حکومت اسلامی در سردشت ، کریم فهیمی را به "جرم" مشربو بخواری به اعدام محکوم کرده است ! از طرف کمیته سردشت حزب حکمیتست و با مسئولیت شما در سطح جهانی ، کمپینی در محکوم کردن این حکم ضد انسانی ، ایلاغ شده است ! تاکنون چه اقداماتی در این زمینه انجام گرفته است !

سهند حسین زاده:

همانطور که اطلاع دارید ، کمپین برای نجات جان کریم فهیمی به دنبال محکومیت ایشان در دادگاه سردشت اعلام شد و خبر این حکم وحشیانه را در سطح جهان پخش کردیم ، به دنبال آن با سازمانها و نهادهای حقوق بشر و احزاب مترقی در جاهای مختلف تماس گرفتیم ، از جمله با سازمان عفو بین

کمکهای مالی رسیده بدست خالد حاج محمدی

مصطفی اسد پور ۱۰۰۰ کرون
ثوم ژنوسان خالد ۱۰۰۰ کرون

محمد جعفری ۶۸ کرون
نوار ۱۳۵ کرون
جمال ۱۳۵ کرون
یک دوست از لندن ۲۰۵ کرون
مریم از نروژ ۲۰۰ کرون

محمد راستی ۵۰۰ کرون
پیتر ۲۷۰ کرون
سام ۲۷۰ کرون
سعید قادریان ۲۷۰ کرون
امید ۲۷۰ کرون

حبیب عبداللهی ۱۷۵۵ کرون
سهند حسین زاده ۲۷۰ کرون
حسام منتظری ۱۰۰ کرون
خالد علی پناه ۵۰۰ کرون
سعید یگانه ۴۵۰ کرون

تماس با ما:

دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:
h_moradbiegi@yahoo.com
Tel:0046762737560

سردبیر:
sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!